

# بررسی عوامل تحقق نزاع فردی ودسته جمعی با تکیه بر نقش حاشیه نشینی (مطالعه موردی شهرستان سنندج)

امیر باقرزادگان<sup>۱</sup> محمد میرزایی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۵

از صفحه ۱۶۳ تا ۱۹۰

## چکیده

از پیامدهای ناگوار رشد سریع و بی‌رویه شهرهای بزرگ، افزایش جرایم و ناهنجاری‌ها در آنهاست. اندیشمندان در شناسایی عوامل بروز تبه‌کاری دریافته‌اند که مکان، زمان و انسان، عناصر اصلی در شکل‌گیری جرم هستند. بنابراین، تفاوت در ساختار مکانی، زمانی و رفتاری، توزیع نابرابر انواع جرایم و بزه‌کاران را در سطح شهرها در پی دارد. در واقع برخی فضاهای شهری مانند حاشیه‌ها، با داشتن شرایط خاص خود، مستعد و تسهیل‌کننده ارتکاب گونه‌هایی از بزه‌کاری و از آن جمله نزاع و درگیری هستند.

روش: پژوهش حاضر از نظر نوع و هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل چهل و پنج نفر از افسران شاغل در فرماندهی انتظامی شهرستان سنندج می‌باشد.

جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش به دو روش صورت گرفته است. از یک سو، برای

۱. امیر باقرزادگان عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور،

bagherzadeganamir@yahoo.com

۲. محمد میرزایی کارشناس ارشد حقوق. جزا (نویسنده مسئول) md92.mirzaei@gmail.com

تدوین ادبیات تحقیق، به روش بررسی اسنادی اقدام شده است؛ کتب و سایر منابع مربوط به مفاهیم حاشیه‌نشینی، طراحی محیطی و بزه نزع و درگیری و نیز با بررسی دقیق پرونده‌ها و سوابق موجود در کلانتری‌ها و پاسگاه‌های شهرستان سنندج که در ارتباط با جرایم نزع و درگیری فردی و جمعی در یک بازه زمانی پنج ساله (از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰) ثبت و مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند، اطلاعات مورد نیاز به روش فیش برداری جمع‌آوری گردیده است.

از سوی دیگر، با استفاده از یک پرسش‌نامه محقق ساخته، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری و این داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد سنجش و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در نتیجه می‌توان چنین بیان کرد که نزع یک پدیده چند بعدی است که عوامل متعددی در گرایش افراد به آن دخالت دارد؛ به طوری که در شکل‌گیری آن، علاوه بر مسائل و مشکلات فردی روانی و عاطفی، مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی نیز نقش مؤثر دارد.

### کلید واژه‌ها:

حاشیه‌نشینی، شهرستان سنندج، بزه کاری، انحرافات، نزع و درگیری.

### مقدمه

انسان از ابتدای خلقت دارای زندگی اجتماعی بوده و از زندگی در کنار دیگران دو هدف عمده را دنبال می‌کرده است؛ اول، مرتفع ساختن اساسی‌ترین توقعات و نیازهای زندگی بشری و دیگری توسعه‌خواهی. از آنجاکه در جهان امروز راه توسعه از گذرگاه جمعیت می‌گذرد، گذر از این عرصه به سلامت ممکن نیست، مگر این که مردم و دولت یک کشور، تحرک جمعیتی و تغییرات حاصل از آن را شناخته و با درکی صحیح از عواقب و آثار آن، سیاستی سنجیده در پیش گیرند.

جوامع بشری به سرعت در حال پیشروی به سوی زندگی شهری هستند به گونه‌ای که این موضوع، امروزه به یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه‌شناسان تبدیل شده و ذهن آنها را به چالش

کشیده است؛ به ویژه در کشورهای در حال توسعه که رشد شهرگرایی بیشتر از کشورهای توسعه یافته می‌باشد.

در ایران نیز توسعه شهری با روندی سریع و شتابان همراه بوده که این انبساط بی‌رویه، مصائب و معضلاتی را با خود به همراه داشته است. در این میان، حاشیه‌نشینی به عنوان آینه تمام‌نمای مسائل اجتماعی (ناسازگاری، انحرافات، ناهنجاری‌ها، آشفتگی‌ها، نظم‌گریزی، فقدان انسجام اجتماعی و...) رخ نمایانده است و اندیشمندان علوم اجتماعی و جرم‌شناسی را برای حل آن به مبارزه می‌طلبند. حاشیه‌نشینی پدیده‌ای جهانی است که فقط مختص کشورهای در حال توسعه نیست؛ ولی چگونگی برخورد با این پدیده عاملی برای تمایز بین کشورهای توسعه نیافته و نقش مدیریت در به کنترل درآوردن آن است.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که در سال ۱۳۸۳ هجری شمسی، حداقل شش میلیون نفر از جمعیت شهری کشور ایران را حاشیه‌نشینان تشکیل داده و برآورد می‌شود که تا سال ۱۴۰۰ هجری شمسی، شمار شهرنشینان کشور دو برابر شود. جمعیت شهرنشین جدید کم‌درآمد، حدود پنج تا هفت میلیون نفر می‌باشد؛ در این صورت و با تداوم روند موجود در دهه آتی، تعداد شهرنشینان غیررسمی به بیش از دو برابر امروز خواهد رسید (صرافی و محمدی، ۱۳۸۴: ۳۹).

استان کردستان با مساحتی حدود ۲۸۲۰۳ کیلومتر مربع در غرب ایران با مختصات جغرافیایی بین ۳۴ درجه و ۴۵ دقیقه و تا ۳۶ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۲۴ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد و از شمال به استان آذربایجان غربی و قسمتی از استان زنجان، از جنوب به استان کرمانشاه، از شرق به استان همدان و قسمتی از استان زنجان و از غرب به کشور عراق محدود می‌باشد مرکزیت استان کردستان شهرستان سنندج، که برگرفته از نام قدیمی «سنه دژ» است، می‌باشد فاصله مرکز استان با پایتخت جمهوری اسلامی ایران، یعنی تهران، ۵۲۰ کیلومتر

می‌باشد و دارای مرزی ۲۲۵ کیلومتری با کشور عراق است.

در نظر گرفتن این موضوع از جهات مختلف، و به ویژه از منظر عدالت اجتماعی، رشد فضایل اخلاقی، رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه، بسیار مهم و حیاتی است؛ ضمن این‌که تداوم شرایط موجود باعث افزایش فاصله طبقاتی بین حاشیه‌نشینان و شهرنشینان خواهد شد. بررسی مشخصات کالبدی و خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان، نوع کاربری اراضی و کارکردهای اصلی این مکان‌ها و سعی در ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل به وجودآورنده و تسهیل‌کننده ارتکاب جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر بزه‌کاری، امکان کنترل، پیش‌گیری و کاهش نرخ ناهنجاری را فراهم می‌آورد (کلانتری و توکلی، ۱۳۸۶: ۷۵). به همین دلیل، مطالعه نوع و میزان بزه‌کاری و شناخت الگوهای اجتماعی، فضایی و جغرافیایی این ناهنجاری‌ها و بررسی بزه‌کاری غالب آن مناطق (نزاع و درگیری) و علل وقوع و راه‌های پیش‌گیری از آن از مقتضیات انجام پژوهش حاضر است.

## اهداف پژوهش

۱. بررسی وضعیت تأثیر حاشیه‌نشینی بر وقوع جرایم، با تأکید بر جرم نزاع و درگیری در شهرستان سنندج؛
۲. تحلیل و بررسی جوانب مختلف حاشیه‌نشینی در شهرستان سنندج؛
۳. ارائه راه‌کارهای مناسب جهت کاهش نرخ بزه‌کاری (نزاع و درگیری) در مناطق حاشیه‌ای شهرستان سنندج.

## فرضیه‌های پژوهش

۱. مهم‌ترین کانون‌های جرم‌خیز در زمینه بزه، نزاع و درگیری در شهرستان سنندج در مناطق حاشیه‌نشین قرار دارد.
۲. حاشیه‌نشینی در سنندج بیشتر به حاشیه‌نشینی محروم متمایل بوده و به دلایل

مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی به وجود آمده و در حال افزایش است.

۳. حاشیه‌نشینی سبب پیدایش خرده فرهنگ‌ها و فراهم نمودن زمینه‌های وقوع نزاع و درگیری می‌شود.

### پیشینه پژوهش

با توجه به تأثیر فراوان و مهمی که حاشیه‌نشینی و محیط‌های ارتکاب جرم بر نرخ جرایم دارند، دیدگاه‌های مختلفی از منظر جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی شکل گرفته و یاد در حال شکل‌گیری است که هر کدام در نوع خود به بررسی عوامل مکانی، کج‌روی‌ها و شناسایی مکان‌های مستعد برای ارتکاب بزه در شهرها و تلاش برای پیش‌گیری و کنترل جرایم ناشی از آنها پرداخته‌اند.

بررسی‌های متکی بر روش علمی و مبتنی بر روش‌های آماری پیرامون تأثیر محیط بر نرخ و نوع جرم برای اولین بار در نیمه نخست قرن نوزدهم میلادی به وسیله «کتله» و «گری» صورت گرفت (کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۴).

کتله به عنوان یک فیزیک‌دان نشان داد که جرایم در سطح یک جامعه مانند یک تابع ریاضی وابسته به تغییرات شرایط اقتصادی، اجتماعی، زمانی و مکانی هستند. این تحقیقات موجب بروز یک جنبش علمی نوین در زمینه آمار جنایی به نام «کتلتیسم»<sup>۱</sup> گردید. اهمیت مطالعات کتله در زمینه جغرافیای جرایم به حدی بود که در برخی از منابع، وی را به عنوان «پدر علم آمار جنایی» معرفی نموده‌اند و گفته می‌شود تحقیقات وی باعث شده است که جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی، تابع دو متغیر زمان و مکان شناخته شود. «گری» نیز در سال ۱۸۳۳ میلادی، در پنج ناحیه فرانسه به بررسی رابطه بین فقر، تراکم جمعیت و تعلیم و تربیت با انواع جرایم پرداخت.

«گری» معتقد بود جرم نتیجه عوامل پیچیده و قاطع سرشت انسانی و محیط جغرافیایی،

14. Quetletism

اعم از طبیعی و انسانی است (کی‌نیا، ۱۳۷۳: ۴۶۹ و ۴۷۴).  
 در زمینه تأثیر عوامل محیطی و عوامل اجتماعی نیز دانشمندان بسیاری مانند «پیناتل»، «ساترلند»، «استفانی» و غیره مطالعات و نظرات فراوانی داشته‌اند.  
 در سال ۱۹۳۵ میلادی، «راسن» با بررسی آمارهای قضایی انگلستان و ولز مطالعاتی در خصوص جغرافیای جنایت به عمل آورد. این دانشمند در مطالعات خود به این نتیجه رسید که تراکم جمعیت، یکی از عوامل افزایش جرم و جنایت است.  
 در سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۴۲ میلادی، مفاهیم بوم‌شناختی شهری که در مکتب شیکاگو پایه‌گذاری شده بود به وسیله دو پژوهش‌گر برجسته به نام «شاو» و «مک‌کی» به کار گرفته شد؛ ایشان به بررسی ارتباط امواج پی در پی مهاجرت و پدیده مجرمانه پرداختند و حرکت مهاجران را ابتدا به مناطق فقیرنشین مرکز و سپس به مناطق حاشیه‌ای مورد توجه قرار دادند. این پژوهش‌گران با استفاده از ویژگی‌های زیست محیطی شهر، نتیجه بررسی‌های خود را به این شرح منتشر کردند:  
 - بالاترین نرخ جرم و جنایت در مکان‌هایی است که در آنجا خانه‌های اجاره‌ای ارزان قیمت بیشتر است؛  
 - مجرمان بیشتر در محلاتی زندگی می‌کنند که در آنجا مجرمان با سابقه، حضور بیشتری دارند؛  
 - جرم و جنایت از الگوهای اجتماعی و فیزیکی شهر تبعیت می‌کند؛ به بیان دیگر، وجود نارسایی در تشکیلات پلیس و دادگستری و بخش‌های رو به ویران شهر، زمینه‌های مساعدی جهت ارتکاب جرم فراهم می‌سازد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۶).  
 در سال ۱۹۶۹ میلادی، «جفری» نخستین کسی بود که عبارت «پیش‌گیری از جرم و جنایت از طریق طراحی محیطی» را به کار برد. او بر برنامه‌های طراحی ساختارهای شهری و واحدهای همسایگی به منظور کنترل و پیش‌گیری از جرم تأکید داشت و به نظر وی، مراقبت‌های طبیعی شهروندان از طریق طراحی ساختمان‌ها و فضای شهری، عامل مهمی در کنترل جرایم شهری است.

وی بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار بزه‌کاران قرار می‌دهد تأکید کرده و جرایم گوناگون را ناشی از این فرصت‌ها می‌دانست (کوزنس، ۲۰۰۰: ۱۰؛ کلارک، ۱۹۹۷: ۳۰).  
به نظر «جاکوبز» دیدگاه «CPTED»<sup>۱</sup> بهترین ابزار برای کاهش فرصت‌های محیطی است. این دیدگاه بر پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیطی تأکید می‌کند.  
در سال ۱۹۷۳، «نیومن» دیدگاه فضای مقاوم در برابر جرم (فضای قابل دفاع) را مطرح نمود. او اعتقاد داشت که تغییر در محیط فیزیکی باعث واکنش مجرمین می‌شود، بدین صورت که بزه‌کاران مجبور به تغییر در رفتار خود و یا تغییر در محل ارتکاب جرم می‌شوند (عبدالهی، ۱۳۸۳: ۴۲).

بر اساس پژوهشی که در سال ۱۹۸۱ میلادی در خصوص توزیع فضایی جرم، با توجه به نوع کاربری‌ها، در شهرها انجام شد، مشخص گردید که فعالیت‌های غیرقانونی بیشتر در نزدیکی شریان‌های اصلی حمل و نقل و شاهراه‌ها متمرکز است؛ همچنین، بین میداین اصلی و چهارراه‌ها که دارای عملکردهای گوناگون هستند، میزان بسیار بالایی از جرایم اتفاق می‌افتد (فینس و ویدام، ۱۹۹۷: ۱۵).  
از آنچه که ذکر شد و با دقت در عوامل مختلفی که باعث ارتکاب جرم می‌شوند، تداخل، تأثیرگذاری و رابطه تنگاتنگ محیط‌های حاشیه‌ای شهرها بر ارتکاب جرایم بیشتر مشخص می‌گردد.

## مبانی نظری

### الف: تعریف مفاهیم

#### ۱. منازعه (نزاع و درگیری):

منازعه در لغت به معنای مخاصمه و دشمنی کردن دو جانبه آمده و در عرف و اصطلاح، معادل مشارکت در زد و خورد استفاده شده است.

عنصر قانونی این جرم در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات- مصوب ۱۳۷۵) بیان

15. Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED)

شده است:

«هرگاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند، هر یک از شرکت‌کنندگان در نزاع بر حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند:

۱- در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود، به حبس از یک تا سه سال؛

۲- در صورتی که منتهی به نقص عضو شود، به حبس از شش ماه تا سه سال؛

۳- در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود، به حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصره ۱: در صورتی که اقدام شخص، دفاع مشروع تشخیص داده شود، مشمول این ماده نخواهد بود.

تبصره ۲: مجازات‌های فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد.»

بر اساس ماده مذکور که رکن قانونی این جرم محسوب می‌شود، ارکان مادی و معنوی جرم منازعه را می‌توان بدین صورت تشریح نمود که در مقوله رکن مادی جرم نزاع، عمل مرتکبان، تعداد آنها و نتیجه مورد بررسی قرار می‌گیرد. عمل مرتکبان در جرم منازعه از باب مفاعله به معنای مشارکت آمده است و مشارکت به معنی اقدام متقابل است. بنابراین، اگر چند نفر شخص واحدی را به صورت یک طرفه مورد ضرب و جرح قرار دهند و عمل متقابلی از سوی آن شخص انجام نگیرد منازعه مصداق پیدا نمی‌کند.

در خصوص این که تعداد منازعین حداقل چند نفر می‌باید باشد اختلاف نظر وجود دارد؛ یک نظر بر آن است که منظور از کلمه «عده» در متن ماده فوق، سه نفر یا بیشتر است (صادقی، ۱۳۸۴: ۲۰۱).

در این نظریه تعداد هر یک از طرفین نزاع اهمیتی ندارد ولی جمع آنها نباید از سه نفر کمتر باشد. در خصوص نتیجه نیز باید گفت منازعه جرمی است مقید به نتیجه و نتیجه می‌باید از نوع بدنی، اعم از نقص عضو، قتل و یا ضرب و جرح باشد؛ اما در صورتی که درگیری به نتایج دیگری مانند هتک حیثیت یا آبروی اشخاص یا اخلال در نظم و آسایش عمومی منجر گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد، منازعه مصداق نخواهد داشت، ولی می‌توان مرتکبان را با



رعایت ماده ۶۱۸ ق.م.ا. محکوم نمود (صالح ولیدی، ۱۳۷۹: ۸۵).

و اما از لحاظ رکن معنوی جرم نزاع، می توان اذعان داشت که منازعه جرمی است عمدی و رکن معنوی آن با احراز عمد مرتکب به شرکت در نزاع محقق خواهد شد. این جرم اگر چه جرمی است مقید، اما نیازی به احراز سوء نیت خاص مرتکب نیست. به بیان دیگر، اثبات این که مرتکب علاوه بر قصد شرکت در نزاع خواستار نتیجه (قتل، نقص عضو و یا ضرب و جرح) نیز بوده لزومی ندارد، مگر این که مرتکب جنایت، مشخص باشد. بنابراین به طور خلاصه، ورود عمدی و داوطلبانه افراد به ماجرا به قصد نزاع کافی خواهد بود.

## ۲. حاشیه نشینی:

اندیشمندان علوم اجتماعی و کارشناسان مسائل شهری تعاریف متعددی از حاشیه نشینی ارائه کرده اند. برخی عقیده دارند حاشیه نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهرها زندگی کرده، ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی نشده اند.

«چارلز آبریکیاز» حاشیه نشینی را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری از سوی عده ای به قصد تهیه مسکن دانسته است. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب های صنعتی و بازارهای کار می کشاند و اکثر آنها مهاجرینی روستایی هستند که به منظور گذران بهتر زندگی، راهی شهرها می شوند.

تعبیر دیگری که از حاشیه نشینی ارائه شده است، ساختمان یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل دیده می شود را به ذهن متبادر می سازد.

البته به نظر می رسد که به تعبیر یاد شده باید اوصافی همچون عدم امنیت، جرم زا بودن و پناه گاه امن برای بزه کاران را نیز اضافه نمود.

به عقیده «کلینارد» حاشیه نشینی مسأله و عارضه ای شهری است که منشأ عمده بزه کاری و جرم است و دارای اشکال مختلف می باشد. بنابراین می توان چنین نتیجه

گرفت که حاشیه‌نشین فردی است مهاجر یا غیرمهاجر که به دلیل فقدان ریاست و تخصص صنفی و نبود بنیان‌های مالی توانمند و طبقه و فرهنگ اجتماعی متناسب با طبقات و فرهنگ متعارف و لازم شهری، در حاشیه واقع شده است. این افراد بیشتر به علت عوامل رانشی و کمتر به دلیل عوامل جاذب شهری، زادگاه خویش را ترک کرده و به شهرها روی می‌آورند. آنها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو، و بر اثر عوامل دافع از سوی دیگر، از محیط شهری پس زده می‌شوند و به تدریج به کانون‌های به هم پیوسته و یا جدا از یکدیگر در قسمت‌هایی از شهر سکنی می‌گزینند، به صورتی که محل سکونت و نوع مسکن آنها با محل سکونت متعارف شهری مغایر بوده و مالکیت آنها غالباً غصبی است؛ در واقع این افراد از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی با جمعیت شهری تمایز دارند.

## ب. نظریات جرم‌شناختی

### ۱. نظریه بی‌هنجاری<sup>۱</sup>:

«دورکیم» جامعه‌شناس معروف فرانسوی و بنیان‌گذار علم جامعه‌شناسی، علت همه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی جست‌وجو می‌کند و در نهایت عقیده دارد که جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است. از نظر او بین جرم و فرهنگ و محل وقوع جرم ارتباط وجود دارد؛ از دیدگاه او این نظریه که به عوامل اصلی تفکیک معیارها و هنجارهای اجتماعی پرداخته، تأکید می‌نماید که سستی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، موجب روی آوردن افراد به رفتارهای انحرافی از جمله خشونت و به طور خاص نزاع و درگیری می‌شود (سخاوت، ۱۳۸۴: ۱۱۷).

در جرم‌شناسی از تئوری وی با نام «نظریه بی‌هنجاری اجتماعی» یاد می‌شود. با دقت در این نظریه، تأثیر حاشیه‌نشینی، که خود نوعی محیط اجتماعی بی‌هنجار با شرایط خاص است، در وقوع جرم، به ویژه نزاع به شمار می‌رود. هر چند اندیشمندان بر عوامل کنترل شخصی و درونی

1. Normlessness Theory

و نیز، عوامل کنترل اجتماعی تأکید نموده‌اند، ولی از تأثیر محیط نمی‌توان غافل ماند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۱: ۹۴).

## ۲. مکتب محیط اجتماعی و فرهنگی:

طبق آموزه‌های این مکتب که «لاکاسانی» پایه‌گذار آن است، مجرم یک بیچاره نظام اجتماعی است و نقص سازمان اجتماعی او را جنایت کار کرده است. بر اساس این نظریه، منشأ تبهکاری در تأثیرات فرهنگی و اجتماعی است. به عقیده طرفداران این مکتب، بزه کار یک میکرب اجتماعی است و هر میکرب در محیط خاصی رشد می‌کند و از این رو، وجود شرایط مساعد در محیط، موجب رشد و ظهور تبهکاری می‌گردد.

به عقیده لاکاسانی، مجرم قربانی نظام اجتماعی بوده و مسئول جرم ارتكابی خود نمی‌باشد و اجتماع به علت سهل‌انگاری و غفلت، او را به جرم کشانده است؛ بنابراین، جرم نزاع و درگیری که در مناطق حاشیه‌ای اتفاق می‌افتد متأثر از اختلاف در نظام اجتماعی است (دانش، ۱۳۷۸: ۲۳۴).

## ۳. نظریه هم‌نشینی افتراقی<sup>۱</sup>:

«ساترلند» عقیده دارد اگر فردی در محیط مجاور خود در معرض عوامل جرم‌زا قرار گیرد تا غیر جرم‌زا، شانس و احتمال قانون شکنی‌اش افزایش می‌یابد. در واقع، یادگیری از طریق کنش‌های متقابل مستقیم و غیرمستقیم با دیگران صورت می‌گیرد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۴۰۲).

به علاوه وی اظهار می‌کند که اشخاصی در معرض عوامل جرم‌زا واقع می‌شوند که برای سهیم بودن در همان فرهنگ، علایق و عقایدی داشته باشند و در آن، اشکال معینی از رفتار ضد اجتماعی و جنایی ممکن است مورد اغماض واقع شده و مردم احساس کنند که برای هم‌نوایی به آنها نیاز دارند.

ساترلند بر این باور است که رفتار مجرمانه مانند تمامی رفتارهای دیگر آموخته می‌شود و موروثی و ذاتی نیست. بر حسب دیدگاه این دانشمند، هر یک از انسان‌ها در گروه‌های خاص خود، تعاریف یا معانی هنجاری مساعد یا نامساعد را درباره تخلفات قانونی می‌آموزند، اما یک فرد هنگامی مجرم می‌شود که تعاریف مساعد درباره تخلف‌های قانونی را بیش از تعاریف نامساعد در باب آنها پذیرفته باشد (جرج ولد و همکاران، ۱۳۷۸: ۳).

در این باره می‌توان به «نظریه تقلید»<sup>۱</sup> - که از سوی «تارد» ارائه شده و بر این باور است که فرایند کسب رفتار بزه‌کارانه و مجرمانه از طریق تقلید مبتنی بر تجربه‌های یادگیری مشاهده‌ای است - نیز اشاره کرد. بر اساس این نظریه، محیط پیرامونی افراد قومی و قبیله‌ای و رفتارهایی که در آن محیط به وقوع می‌پیوندد الگوهای رفتاری می‌باشد که افراد دیگر از آن تقلید می‌نمایند و نزاع‌ها و درگیری‌ها از آن جمله‌اند.

#### ۴. نظریه فشار<sup>۲</sup>:

«مرتن» در مقاله‌ای که برای نخستین بار در سال ۱۹۳۸ میلادی منتشر شد، مفهوم نظریه دورکیم را ماهرانه مورد بررسی مجدد قرار داده و ابراز داشت که اگر از لحاظ فرهنگی اهداف تجویز شده برای فرد غیرقابل حصول گردد (همچنان که برای بیشتر افراد جوان و طبقه کارگر و طبقه پایین پیش می‌آید)، بین آنچه برای ایده‌آل بودن پایدار می‌ماند و آنچه قابل حصول است اختلاف حاصل می‌شود که نتیجه آن، به سرخوردگی و سرکشی بعدی منجر می‌شود. نظریه فشارهای ساختاری مرتن، رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهای اجتماع می‌داند که بعضی از مردم را وادار به انحراف می‌سازد. تعبیر بسیار ساده این نظریه در یک ضرب المثل قدیمی آمده است که «فقر باعث انحراف و تبهکاری می‌شود.» (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۳۹).

1. Imitation Theory

2. Strain Theory

نتایج تحقیقات انجام شده در ایالات متّحده در خصوص دو موضوع فقر و بیکاری که عوامل اصلی مهاجرت هستند نشان‌دهنده پیوندهای آشکار این دو موضوع با جرم می‌باشد (سلیمی، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

دانشمندان دیگری گرایش جوانان به بزه‌کاری را بر حسب ساختار فرصت مشروع و نامشروع مورد توجه قرار داده‌اند. به کارگیری مفهوم فرصت‌های نامشروع در نظریه آنان برای تکمیل نظریه مرتون بود که به فرصت‌های مشروع پرداخته است. به نظر آنها، رابطه میان ارزش‌های فرهنگی از یک سو و فرصت‌های مشروع و نامشروع از سوی دیگر تعیین‌کننده انواع و فراوانی بزه‌کاری است.

همین دید باعث به وجود آمدن «نظریه فرصت افتراقی»<sup>۱</sup> گردید. بر این اساس، محرومیت در استفاده از فرصت‌ها، جوانان طبقه پایین جامعه را مستعد رفتار بزه‌کارانه می‌کند و قضاوت این طیف از جوانان این است که نظام اجتماعی عادلانه نبوده و تبعیض آمیز می‌باشد. در این مسیر، حاشیه‌نشینی می‌تواند باعث تشدید نظام طبقاتی و بالا بردن نرخ جرایم و از آن جمله، جرایم خشن گردد.

##### ۵. نظریه پرخاشگری<sup>۲</sup>:

بنا بر این نظریه، کسانی که دچار ناکامی می‌شوند و مورد بی‌اعتنایی یا در معرض تهدید قرار می‌گیرند، رفتاری پرخاش‌گرانه از خود بروز می‌دهند؛ چرا که در شرایط ناکام‌کننده، پرخاش‌گری یک پاسخ طبیعی و تقریباً خودکار است. از این دیدگاه، یک محرک که رفتاری خاص و خشونت‌آمیز را بر می‌انگیزد، بیش از آن که فطری باشد، بر تجربه اکتسابی مبتنی است.

به عبارتی با افزایش تدریجی کشاننده، فرد کوشش می‌کند تا شرایط خاص انجام رفتارهایی را فراهم کند که بتواند کشاننده را کاهش دهد؛ اگر این هدف با مانع برخورد

1. Differential Opportunity Theory
2. Aggression Theory

کند و پاداش‌های مورد انتظار به دست نیابند حالت ناکامی ایجاد می‌شود. از این رو، برآورده نشدن خواسته‌های افراد در میان اقشار محروم مناطق حاشیه‌ای و احساس عدم ارضای خواسته‌ها و انتظارات آنها از سوی نهادهای رسمی و قانونی، منجر به پاسخ به ناکامی‌ها و خواسته‌های عقیم مانده ایشان از طریق نزاع‌ها و درگیری‌ها می‌شود.

#### ۶. نظریه تضاد<sup>۱</sup>:

نظریه تضاد بر اساس دیدگاه «مارکس» شکل گرفته و بر این پیش فرض متمرکز شده است که سرمایه‌داری به علت ویژگی‌های خاصی که در ماهیت این نظام وجود دارد، نظیر نابرابری طبقاتی، روابط طبقاتی آشتی‌ناپذیر و استثمار از کار انسان در ارتباط با منافع طبقات مسلط جامعه، موجب می‌گردد که آنها را از خود بیگانه نموده و جرم و بزه‌کاری را به وجود آورد. «چامبلیس» و «سیدمن» عقیده دارند که چنین شرایطی در هر جامعه پیچیده‌ای که دارای نظام طبقاتی باشد به وجود می‌آید (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۱۳).

بنابراین، حاشیه‌نشینی هم یکی از نشانه‌های وجود اختلاف طبقاتی در جامعه و از عوامل تشدید کننده آن است که خود می‌تواند از علل اصلی نزاع‌ها و درگیری‌ها محسوب گردد.

#### ۷. نظریه کنترل<sup>۲</sup>:

این نظریه بر این پیش فرض استوار است که برای کاستن از تمایل به رفتار بزه‌کارانه و مجرمانه باید همه افراد کنترل شوند. این نظریه همچنین رفتار انحرافی را عمومی و جهان‌شمول دانسته و آن را نتیجه کارکرد ضعیف سازوکارهای کنترل اجتماعی و کنترل شخصی و درونی می‌داند. بنابراین، بزه‌کاری و جرم از یک سو در نتیجه عدم اعتماد به نفس و ناکامی و روان‌پریشی است و

1. Conflict Theory

2. Control Theory

از سوی دیگر، نظام‌های کنترل ناقص اجتماعی و فقدان تقید و تعهد نسبت به نهادهای بنیادین اجتماعی مانند: خانواده و مدرسه، به رفتار انحرافی منتهی می‌شود. اندیشمندان نظریه کنترل در تبیین انحرافات اجتماعی، بر عوامل کنترل شخصی و درونی و عوامل کنترل اجتماعی تأکید نموده‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۱: ۹۴).

بر این اساس، جرایم مختلف، و به‌ویژه نزاع و درگیری، اغلب به دلیل عدم وجود نظارت درونی و بیرونی اتفاق می‌افتد و در مناطق حاشیه‌ای به دلیل عدم وجود و امکان کنترل کافی توسط نهادهای نظارتی امنیتی، امکان وقوع نزاع بیشتر خواهد بود.

تحقیقات متخصصان مرکز جرم‌شناسی و کرسون پاریس نشان می‌دهد که بیست و سه درصد جوانان مجرم در مناطقی زندگی کرده‌اند که دارای جمعیت زیاد بوده و بیست و دو درصد ایشان در ساختمان‌هایی زندگی کرده‌اند که علاوه بر کثرت جمعیت، در آنجا مشکل مسکن نیز وجود داشته است.

دو دانشمند فرانسوی به نام‌های لافون و میشو در سال ۱۹۷۶ تحقیقاتی در شهر گرانویل فرانسه انجام داده و به روشنی مشخص کرده‌اند که اطفال بزه‌کار بیشتر در ساختمان‌های ناسالم و برخی از محلاتی که برای سلامتی اخلاق زیان‌آور است بوده‌اند. این تحقیقات نشان می‌دهد که بزه‌کاری جوانان در این محلات و ساختمان‌های مخروبه از حد متوسط مجموع بزه‌کاری شهرها زیادتر بوده است.

در واقع، هجده درصد بزه‌کارانی که جرایم گوناگون را مرتکب شده‌اند اغلب در محله‌های مخروب و ناسالم ساکن بوده و سی و پنج درصد آنها کسانی بوده‌اند که در ساختمان‌ها و محلات بدنام و فاسد به سر می‌برده‌اند. این پژوهش‌گران نهایتاً رابطه میان محیط سکونت و بزه‌کاری را تأیید می‌نمایند.

## روش‌شناسی تحقیق

### الف. نوع و روش تحقیق

تحقیقات علمی بر اساس دو مبنا یعنی هدف (ماهیت) و روش تقسیم‌بندی می‌شوند (حافظ‌نیا،

۱۳۸۱: ۵۰). پژوهش حاضر از نظر نوع و هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی و تحلیلی است.

#### ب. جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش شامل چهل و پنج نفر از افسران شاغل در فرماندهی انتظامی شهرستان سنندج می‌باشد که حداقل مدت پنج سال سابقه کار در دواير قضایی و پیش‌گیری کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها را داشته و به دلیل محدودیت تعداد، به عنوان حجم نمونه، به صورت تمام شمار در پژوهش شرکت داده شده‌اند.

#### ج. ابزار و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است.

#### د. پایایی تحقیق

برای تعیین پایایی پرسش‌نامه تحقیق از روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. این روش برای محاسبه هم‌پنداری درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسش‌نامه یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند به کار می‌رود. نتایج به دست آمده نشان داد که طیف تعصبات قومی و قبیله‌ای ۰/۷۹، طیف قانون‌گرایی ۰/۷۲، طیف بهداشت روانی ۰/۶۸، طیف احساس تعلق فرد به خانواده ۰/۶۶ و طیف دسترسی به امکانات ۰/۶۵، مبین این است که پرسش‌های طرح شده از اعتبار کافی برای ارزیابی محورها و ابعاد مورد نظر برخوردار بوده است.

#### ه. تجزیه و تحلیل داده‌ها

توزیع فراوانی مشخصات عمومی حجم نمونه آماری (جدول ۱):



میانگین عددی	کاملاً موافق		موافق		تاحدودی		مخالف		مخالف		میزان پذیرش گویه
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳/۴۱	۱۴/۵	۲۵	۳۱/۴	۵۴	۳۸/۴	۶۶	۱۱/۶	۲۰	۱/۴	۷	قانون باید درگیری‌هایی را که بین افراد پیش می‌آید حل کند.
۲/۶۱	-	-	۵۲/۱	۸۸	۳۸/۵	۶۵	۴/۷	۸	۱۴/۷	۸	اگر بین من و کسی درگیری پیش آید، ترجیح می‌دهم خودم آن را حل کنم.
۱/۹۱	۳۳/۱	۶۵	۵۰/۹	۸۶	۸/۹	۱۵	۶/۴	۱۱	۱/۶	۱	به نظر من مراجع قانونی در جلوگیری از دعوا خوب عمل نمی‌کنند.
۲/۶۲	۲/۴	۴	۱۲	۲۰	۴۴/۹	۷۵	۲۶/۳	۴۴	۱۴/۴	۲۴	قوانین و مقررات برای جلوگیری از نزاع‌ها خوب و کافی است.
۲/۰۲	۴/۱	۷	۴/۱	۷	۱۹/۵	۳۳	۴۴/۳	۵۸	۳۷/۹	۶۴	اگر مساله ناموسی در خانواده رخ دهد، قانون باید به جای خانواده فرد خاطی را ادب کند.
۲/۸۵	۱۰/۱	۱۷	۱۶	۲۷	۳/۸	۵۲	۳۵/۵	۶۰	۷/۷	۱۳	اگر مراجع قانونی نتوانند در بروز اختلافات خوب و عادلانه تصمیم بگیرند، اشخاص خود باید اقدام به انتقام‌جویی بکنند.
۲/۱۷	۲/۴	۴	۱۰/۱	۱۷	۲۸/۴	۴۸	۳۱/۴	۵۲	۲۷/۸	۴۷	باید به رأی دادگاه حتی اگر علیه ما باشد احترام گذاشت.

۲/۷۲	۱۲/۱	۲۰	۴/۲	۷	۳۸/۲	۶۳	۳۳/۹	۵۶	۱۱/۵	۱۹	باید از ارجاع پرونده نزاع به شورای حل اختلاف استقبال و به آن اعتماد کرد.
------	------	----	-----	---	------	----	------	----	------	----	--

توضیح: جدول بیان گر این است که بیشتر نزاعها در مناطق حاشیه‌ای محروم و بیشتر منازعین از خرده فرهنگها و قومیت‌های مختلف بوده‌اند.

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب دلایل مختلف درگیری (جدول ۲)

میانگین	پنج بار		چهار بار		سه بار		دو بار		یک بار		هیچ		دلایل درگیری
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۰/۶۲	-	-	-	-	۲/۹	۵	۵/۲	۹	۴۳	۷۴	۴۸/۴	۸۴	ملکی
۰/۲۴	-	-	-	-	-	-	۰/۶	۱	۲۲/۷	۳۹	۷۶/۶	۱۴۲	ناموسی
۰/۷	-	-	۱/۲	۲	۲/۹	۵	۵/۲	۹	۴۶/۵	۸۰	۴۴/۲	۷۶	انتقام
۱/۲	۰/۶	۱	۱/۷	۳	۵/۸	۱۰	۱۸/۶	۳۲	۵۴/۱	۹۳	۱۹/۲	۳۳	تعصب خویشاوندی
۰/۲۸	-	-	-	-	-	-	۲/۳	۴	۲۳/۳	۴۰	۷۷/۴	۱۲۸	تعصب قومی
۰/۳۵	۰/۶	-	-	-	-	-	۱/۷	۳	۲۳/۲	۴۰	۷۲/۷	۱۲۵	گفتار و رفتار تحریک‌آمیز

توضیح: جدول مبین این مطلب است که از دلایل عمده بروز درگیری‌ها، بیشترین مورد مربوط به تعصبات خویشاوندی با میانگین تعداد دفعات ۱/۲ و پس از آن انتقام‌جویی با میانگین ۰/۷ می‌باشد.

نگرش پاسخ‌گویان نسبت به گویه‌های طیف تعصبات قومی و قبیله‌ای (جدول ۳)

میزان پذیرش	کاملاً مخالف		مخالف		تاحدودی		موافق		کاملاً موافق		میانگین عددی	ضریب همبستگی پیرسون
اگر کسی به اعضای خانواده‌ام توهین کند ناراحت می‌شوم و عکس‌العمل نشان می‌دهم.	-	-	۳	۱/۸	۱	۱/۶	۸۳	۴۵/۸	۸۴	۴۹/۱	۴/۴۵	۱/۶۱
اگر بینم یکی از بستگان نزدیکم یا کسی درگیر شده است حتماً به او کمک می‌کنم.	۲	۹/۲	۹	۵/۳	۴	۲/۴	۵۱	۳۰	۱۰۴	۶۱/۲	۴۴/۴	۱/۷۷
اگر بینم یکی از افراد فامیلم با کسی درگیر شده است حتماً به او کمک می‌کنم.	۶	۳/۵	۲۱	۱۲/۴	۴۶	۲۷/۱	۸۰	۴۷/۱	۱۷	۱۰	۳/۴۷	۱/۷۸
اگر کسی با اعضای خانواده‌ام درگیر شود، بدون توجه به این که حق با چه کسی است با طرف مقابل درگیر می‌شوم.	۱۱	۷	۲۵	۱۴/۶	۳۱	۱۸/۱	۷۵	۴۳/۹	۲۸	۱۶/۴	۳/۴۸	۱/۸۳
اگر یکی از افراد هم‌زبانم با افراد دیگر گلاویز شود حتماً به او کمک می‌کنم.	۱۰	۵/۸	۲۱	۱۲/۲	۱۷	۹/۹	۱۰۵	۶۱	۱۹	۱۱	۳/۵۹	۱/۷۶

تفاوت در سر جمع‌ها به دلیل پاسخ‌های بی‌جواب است.

بر اساس نتایج جدول فوق اکثر پاسخ‌گویان که از منازعین حاشیه‌نشین‌اند دارای تعصبات قومی قبیله‌ای زیاد هستند. میانگین عددی جدول فوق بیان‌گر این مطلب است. میانگین عددی از ۳/۴۷ تا ۴/۴۳ متغیر است که همگی بیش از حد متوسط یعنی ۳ می‌باشد نتایج حاصل از آزمون سازگاری طیف نشان می‌دهد که گویه‌ها رابطه معنی‌دار و قوی با سایر گویه‌ها دارد ضرایب همبستگی پیرسون حاصل از این آزمون از ۶۱٪ تا ۸۳٪ در نوسان می‌باشد ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و در حد بالا بیان‌گر دقت ابزار سنجش است.

نگرش پاسخ گویان نسبت به گویه‌های طیف دسترسی به امکانات (جدول ۴)

میزان پذیرش گویه	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		ضرایب همبستگی پیرسون
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
میزان دسترسی به اطلاعات فرهنگی و تحصیلی	۴۰	۲۳/۵	۵۴	۳۱/۸	۶۰	۳۵/۳	۱۱	۶/۵	۵	۲/۹	۲/۳۴
میزان دسترسی به اطلاعات مالی	۶۹	۴۰/۶	۵۴	۳۱/۸	۲۷	۱۵/۹	۹	۵/۳	۱۱	۶/۵	۲/۰۵
میزان دسترسی به اطلاعات شاغلین	۳۷	۲۱/۸	۵۸	۳۴/۱	۶۰	۳۵/۳	۹	۵/۳	۶	۳/۵	۲/۳۵
میزان دسترسی به اطلاعات ازدواج	۱۲	۷/۱	۲۴	۱۴/۱	۷۵	۴۴/۱	۴۸	۲۸/۲	۱۱	۶/۵	۳/۱۳

تفاوت در سر جمع‌ها به دلیل پاسخ‌های بی جواب است.

بررسی جدول فوق بیان‌گر این مطلب است که دسترسی به امکانات در جامعه آماری (متنازعین که اکثراً حاشیه‌نشین‌اند) در حد نسبتاً کم است ۷۲/۴ درصد ایشان در حد کم و خیلی کم دسترسی به اطلاعات مالی داشته و ۵۵/۳ درصد معتقدند که در حد کم و خیلی کم به اطلاعات تحصیلی و فرهنگی دسترسی داشته‌اند و ۵۵/۹ درصد معتقدند که به اطلاعات شغلی مناسب دسترسی ندارند. تنها در خصوص دسترسی به اطلاعات ازدواج ۳۴/۷ درصد معتقدند که به اطلاعات ازدواج در حد زیاد و خیلی زیادی دسترسی دارند ضرایب همبستگی پیرسون حاصل از آزمون ۶۲٪ تا ۷۸٪ است ضریب آلفای کرونباخ ۶۵٪ است که در حد قابل قبولی است پس طیف از پایداری لازم برخوردار است.

نگرش پاسخ‌گویان نسبت گویه‌های طیف بهداشت روانی (جدول ۵)

میزان پذیرش گویه	کاملاً مخالف		مخالف		تا حدودی		موافق		کاملاً موافق		میانگین عددی	ضریب همبستگی بیرسون
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
زود عصبی می‌شوم و جوش می‌آورم.	۴	۲/۳	۱۲	۷	-	-	۱۰۰	۵۸/۱	۵۰	۲۹/۱	۱/۹۵	۰/۶۵
همه ما در مقابل آرامش جامعه مسئولیم	۲	۱/۲	۳۱	۱۸/۱	۵۰	۲۹/۲	۵۸	۳۳/۹	۳۰	۱۷/۵	۳/۴۹	۰/۵۱
اکثر مواقع استرس و دلهره داریم.	۶	۳/۵	۲۳	۱۲/۴	۲۳	۱۲/۴	۹۱	۵۲/۹	۲۹	۱۶/۹	۲/۳۴	۰/۶۸
در هر شرایطی انسان باید آرامش خود را حفظ نماید.	۲	۱/۲	۳۱	۱۸	۵۲	۳۰/۲	۶۳	۳۶/۶	۲۴	۱۴	۳/۴۴	۰/۵۲
با کوچکترین چیزی از کوره در می‌روم.	۵	۲/۹	۲۲	۱۲/۸	۱۴	۸/۱	۱۰۱	۵۸/۷	۳۰	۱۷/۴	۲/۲۵	۰/۶۹
در زمان عصبانیت سعی می‌کنم تصمیم‌گیری نکنم.	۳	۱/۷	۴۹	۲۸/۵	۴۶	۲۶/۷	۵۵	۳۲	۱۹	۱۱	۳/۲۲	۴۸

تفاوت در سر جمع‌ها به دلیل پاسخ‌های بی جواب است.

بررسی نگرش پاسخ‌گویان نسبت به طیف بهداشت روانی نشان‌دهنده این مطلب است که در جامعه نمونه آماری که اکثراً از متنازعین حاشیه‌نشین‌اند. بهداشت روانی در ابعاد بسیار پایین است. بطوریکه ۸۷/۲ درصد از آنها موافق و کاملاً موافق با گویه اول‌اند. و ۷۶/۱ درصد نیز موافق و کاملاً موافق با گویه پنجم‌اند و ۶۹/۸ درصد موافق و کاملاً موافق با گویه چهارم‌اند. میانگین

عددی گویه‌ها نیز از حداقل ۱/۹۵ تا حداکثر ۳/۴۹ در نوسان و ضریب آلفای کروسباخ تحقیق ۰/۶۸ بوده که نشان‌گر پایانی تحقیق است.

نگرش پاسخ‌گویان نسبت به گویه‌های طیف احساس تعلق فرد به خانواده (جدول ۶)

گویه	کاملاً مخالف		مخالف		تا حدودی		موافق		کاملاً موافق		میانگین عددی	ضریب همبستگی پیرسون
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
ترجیح می‌دهم اوقات فراغت خود را با خانواده‌ام سپری کنم	۳۱/۵	۶	۲۴/۶	۳۶	۱۸/۷	۳۲	۷۵	۴۳/۹	۲۲	۱۲/۹	۳/۴۲	۰/۶۵
رابطه چندان خوبی با خواهران و برادرانم ندارم	۱۲/۳	۲۱	۳۱/۶	۵۴	۲۰/۵	۳۵	۵۴	۳۱/۶	۷	۴/۱	۳/۶۱	۰/۶۵
رابطه پدر و مادرم مبتنی بر درگیری و کشمکش است.	۹/۹	۱۷	۳۶/۳	۶۲	۱۷	۲۹	۵۰	۲۹/۲	۱۳	۷/۶	۳/۱۲	۰/۷۳
از اینکه در این خانواده متولد شده‌ام احساس خوشبختی می‌کنم.	۴/۷	۸	۲۸/۱	۴۸	۲۸/۱	۴۸	۴۱	۲۴	۲۶	۱۵/۲	۳/۱۷	۰/۷۱
خانواده‌ام را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم.	۴/۱	۷	۷/۶	۱۳	۲۵	۱۴/۶	۷۷	۴۵	۴۹	۲۸/۷	۳/۸۷	۰/۵۸

بررسی نگرش پاسخ‌گویان نسبت به تعلق ایشان به خانواده بیان‌گر احساس تعلق ایشان به خانواده در حد متوسط و زیاد است. میانگین عددی ۳/۴۲ می‌باشد که در حد متوسط - زیاد بوده و از ۳/۱۲ تا ۳/۸۷ نیز در نوسان است. ضریب آلفای کروسباخ حاصل از آزمون پایانی نیز ۰/۶۶ درصد است. که در حد بالایی است. ضریب همبستگی پیرسون نیز از ۰/۵۸ تا ۰/۷۲

متغییر است. که بیان کننده قوی و معنادار بودن گویه‌هاست.

## بررسی عوامل مؤثر بر شرکت و گرایش به شرکت در منازعات

### الف - آزمون همبستگی پیرسون

متغیرهای میزان احساس تعلق فرد به خانواده، تعصب قوی، بهداشت روانی، قانون‌گرایی، سن، درآمد متغیرهای شئی‌اند که برای بررسی رابطه آنها با میزان شرکت پاسخ‌گویان و گرایش آنها در منازعات از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد میزان تعصبات قومی قبیله‌ای ( $R=۰.۲۹$ )، میزان بهداشت روانی ( $R=۰.۱۶$ )، میزان درآمد ( $R=۰.۰۸$ )، میزان دسترسی به امکانات ( $R=۰.۰۷$ )، میزان سن ( $R=۰.۰۲$ ) و میزان تعلق به خانواده ( $R=۰.۰۲$ ) است. بنابراین آنچه بیان شد با افزایش تعصبات قومی قبیله‌ای میزان شرکت افراد در منازعات افزایش می‌یابد و ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای نسبی با میزان شرکت پاسخ‌گویان در منازعات، مثلاً با کاهش بهداشت روانی، منازعات افزایش می‌یابد. جداول ذیل بیان‌گر موضوع می‌باشند.

آزمون همبستگی پیرسون بین متغییر شرکت فرد به منازعات با متغیرهای مستقل نسبی (جدول ۷)

متغییر	تعصب قومی قبیله‌ای	بهداشت روانی	قانون‌گرایی	درآمد	دسترسی به امکانات	سن	احساس تعلق به خانواده
R نام	۰.۲۹	-۰.۱۶	-۰.۱	۰.۰۸	۰.۰۷	-۰.۰۲	۰.۰۰۳
P-Value	۰.۰۰۰	۰.۰۴	۰.۲	۰.۲۹	۰.۳۹	۰.۸۲	۰.۹۷

آزمون همبستگی پیرسون بین متغییر گرایش فرد به منازعات با متغیرهای مستقل نسبی (جدول ۸)

نام متغییر	تعصب قومی قبیله‌ای	بهداشت روانی	قانون‌گرایی	درآمد	دسترسی به امکانات	سن	احساس تعلق به خانواده
R	۰.۶۶	-۰.۶۲	-۰.۵۳	-۰.۱۹	-۰.۳۷	-۰.۰۱	-۰.۴۲
P-Value	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۱	۰.۰۰۰	۰.۸۵	۰.۰۰۰

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با بررسی اندیشه‌ها و نظریه‌های نزاع و درگیری و همچنین سوالات انجام شده از پاسخ‌گویان از طریق پرسش‌نامه می‌توان گفت که نزاع یک پدیدهٔ چند بعدی است که عوامل متعددی در گرایش افراد به آن دخالت دارند، چراکه در شکل‌گیری آن هم مسائل و مشکلات روحی، روانی، عاطفی موثرند و هم مسائل اجتماعی و فرهنگی نقش دارند. تشخیص دقیق این که کدام عامل تأثیر گذارتر است چندان ساده نیست.

گرچه امروزه مطالعات علمی و دقیق در مورد سبب‌شناسی نزاع و درگیری - چه فردی و چه جمعی - کمتر صورت گرفته است، ولی با بررسی کلیهٔ عوامل می‌توان ریشه‌های این معضل اجتماعی را شناسایی کرد تا مدیران و مسئولان امر مبارزه با منازعه، با تکیه بر یافته‌های علمی، برای کنترل این پدیدهٔ خطرناک و رو به رشد اجتماعی برنامه‌های کارآمد و موثری از پژوهش را تدارک و اجرا نمایند.

در پژوهش حاضر علل و عوامل گرایش به نزاع و درگیری شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

اکثر جامعه آماری یعنی حدود ۹۱/۹ درصد از پاسخ‌گویان از حاشیه‌نشینان شهر سنندج بوده‌اند؛ در واقع این تحقیق مبین این مطلب است که بیشتر متنازعین در حاشیه شهر ساکن‌اند.

حاشیه‌نشینان به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... به حاشیه شهرها مهاجرت کرده و بر اساس تحقیق از قومیت‌های مختلف بوده و دارای گرایش‌های فرهنگی و اجتماعی گوناگون‌اند. با توجه به این که در برنامه‌های شهرنشینی مدون تدوین شده در شهرها امکانات مختلف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی برای این محل‌ها و این افراد در نظر گرفته نشده است، افزایش چنین مکان‌هایی خودبه‌خود منجر به ایجاد فاصله طبقاتی و یا حداقل ایجاد تفکر وجود این موضوع در بین حاشیه‌نشینان خواهد شد و این مطلب در این تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. ضمن اینکه عدم دسترسی به شغل مناسب و امکانات آموزشی و تفریحی نیز از نتایج این پدیده خواهد بود. از دلایل اصلی درگیری در بین حاشیه‌نشینان می‌توان به اختلافات ملکی،



مسائل ناموسی، تعصبات خویشاوندی و قومی، انتقام‌جویی و گفتار و رفتار توهین‌آمیز و... اشاره کرد که بر اساس مبانی نظری تحقیق نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در این تحقیق نگرش پاسخ‌گویان که اکثراً از حاشیه‌نشینان اند در ۵ طیف اصلی بهداشت روانی، تعصبات قومی - قبیله‌ای، قانون‌گرایی، دسترسی به امکانات و احساس تعلق فرد به خانواده در جهت اثبات مبانی نظری تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن نیز موید نظریات مطرح شده است. به این مسئله نیز می‌باید اذعان نمود که نقش بیکاری، خرده فرهنگ‌ها، کمبود امکانات تفریحی و... در بروز نزاع و درگیری و همچنین وقوع جرایم دیگر بی‌تأثیر نیست و باید مسئولین امر، به ویژه در حاشیه شهرها، معضل بزه‌کاری، فعال نمودن مسئولین - تنظیم خانواده فرهنگ‌سازی و فعال کردن فرهنگ‌سراها و ایجاد مراکز تفریحی و... اقدام تا نزاع و درگیری به دیگر قسمت‌های شهر نیز کشیده نشود.

بر این اساس، پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

۱- جلوگیری از افزایش حاشیه‌نشینی و از بین بردن علل مهاجرت افراد مانند علل اقتصادی.  
 ۲- ارائه و آموزش فرهنگ شهرنشینی به عنوان فرهنگ غالب در حاشیه شهرها به منظور جلوگیری از تداخل فرهنگی که موجب نزاع می‌گردد.

۳- آموزش حقوق و وظایف شهروندی و ترسیم راه‌های دفاع از حقوق شخصی و اجتماعی زندگی جدید در شهرها و روستاها، متکی و مبتنی بر قوانین و هنجارهای رسمی است که حقوق و تکالیفی را برای اعضای جامعه تعیین می‌کنند. این حقوق و تکالیف که مبتنی بر برابری همه اعضای جامعه در برابر قانون و برخورداری همگان از حقوق یکسان قانونی است، چارچوب رفتار شهروندی را تشکیل می‌دهند. بنابراین وقتی سخن از شهروندی می‌رود، تمام شهرنشینان و روستائینی که مشمول قوانین رسمی می‌شوند، مدنظر قرار می‌گیرند. بر این اساس شناخت حقوق و وظایفی که قانون برای تمامی اعضای جامعه مشخص نموده است، و همچنین شناسایی راه‌ها و روش‌های دفاع از حقوق شخصی و اجتماعی باعث می‌شود تا شهروندان نیازی به توسل به شیوه‌های ناهنجار برای استیفای حقوق خود نداشته باشند. همچنین آشنایی بیشتر با مهارت‌های زندگی و اقتضانات زندگی جدید - به ویژه مواردی مثل آیین‌های رانندگی، حقوق

همسایگی در جامعه شهری، ضوابط و شیوه‌های اداری و امثال آن - موجب آرامش بیشتر مردم و کنترل عوامل برانگیزاننده شهروندان به رفتارهای پرخاشگرانه خواهد شد.

۴- تقویت فعالیت رسانه‌ها، به خصوص صدا و سیما، و افزایش و ارتقای نظام آموزشی در مسیر ارتقای آگاهی عمومی، موقعیت ارزشمندی را فراهم کرده‌است تا فرایند جامعه‌پذیری شکل کامل‌تری به خود بگیرد و خلأهای این فرایند که در جریان تغییرات شتابان اجتماعی محسوس‌تر و جدی‌تر شده است، برطرف گردد. فعالیت این دو حوزه برای گسترش آگاهی‌های عمومی، به ویژه آشنایی بیشتر با روندهای قضایی و قانونی، راه‌کاری برای مهار بسترهای پرخاش‌گری و نزاع در جامعه می‌باشد.

۵- آموزش معلمان و مدیران مدارس، و مراکز آموزشی، تفریحی در مورد نحوه و چگونگی برخورد با ناهنجاری و بد اخلاقی‌های موجود در محیط کاری آنها و همچنین در صورت وقوع درگیری و نزاع در مراکز مذکور، برخورد مناسب و قاطع با عاملین بی‌نظمی و مطلع نمودن خانواده‌های آنها و اخذ تعهد از آنها مبنی بر اینکه در صورت تکرار ناهنجاری، عامل ناهنجاری از محیط آموزشی اخراج خواهد شد.

۶- اقدام همه جانبه از سوی سازمانها و مراجع ذی‌ربط در جهت فراهم نمودن امکانات مناسب فرهنگی و اجتماعی و اشتغال‌زایی در نقاط مختلف شهرستان بویژه حاشیه شهر.

۷- تعیین حدود و ثغور املاک و اراضی افراد از طریق ثبت رسمی املاک مذکور با کمک گرفتن از بزرگان و ریش‌سفیدان هر منطقه به منظور کاهش اختلاف‌های ملکی.

۸- پیش‌بینی یک گروه کار آزموده و حرفه‌ای به منظور مداخله در نزاع و درگیری در واحدهای پلیس که در صورت اعلام جرم نزاع و درگیری بتواند با موضوع برخورد مناسب و کارآمد داشته و مانع گسترش نزاع گردد. همچنین در صورت اعلام جرم از سوی مردم، حضور به موقع، سریع و مقتدرانه پلیس در محل نزاع و اقدام به دستگیری عاملین اصلی نزاع، و به ویژه اقدام به دستگیری اشخاصی که طرف نزاع نبوده و صرفاً از روی غیرت و تعصب در نزاع شرکت داشته‌اند، چراکه اگر افراد حمایت و استمداد خانواده طایفه را احساس نکنند، احتمال کمتری وجود دارد که اقدام به ارتکاب به نزاع دسته‌جمعی و فردی نمایند.

۹- تشکیل و تأسیس گروه‌هایی در روستاها و محلات به سرپرستی و نظارت ریش‌سفیدان و کدخدایان محل برای مداخله به موقع و سازنده در اختلافات محلی و گسترش فرهنگ میانجی‌گری در حل و فصل اختلافات، و در صورتی که بیم درگیری و نزاع برود اطلاع دادن به مراکز پلیس. (تقویت شوراهای حل اختلاف).

۱۰- برخورد پلیسی و قضایی مناسب با عاملین و مرتکبین نزاع.

۱۱- کنترل اراذل و اوباش و افرادی که درصدد نزاع و درگیری می‌باشند توسط مأموران پلیس و پیش‌بینی راه کارهای مناسب پیش‌گیری از این جرم.

## منابع

- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۵) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت.
- توکلی، مهدی (۱۳۸۴) شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم انتظامی
- جرج ولد و دیگران (۱۳۸۷) جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت.
- کلانتری، محسن (۱۳۸۰) بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، پایان‌نامه دوره دکتری رشته جغرافیا (گرایش برنامه‌ریزی شهری)، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
- کلانتری، محسن و توکلی، مهدی (۱۳۸۶) «شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز شهری»، فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم پلیس پیش‌گیری ناجا، سال دوم، شماره دوم، ۱۰۰-۷۵.
- دانش، تاج زمان (۱۳۷۸) مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، چاپ سوم، تهران: کیهان.
- ستوده، هدایت اله و دیگران (۱۳۸۷) روانشناسی جنایی، چاپ دوم، تهران: آوای نور
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی انحرافات، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات

دانشگاه پیام نور.

● - سلیمی، علی و محمد داوری، (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی کج‌روی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

● - صادقی، محمدهادی (۱۳۷۶) حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، تهران: میزان.

● - صالح ولیدی، محمد (۱۳۷۴) حقوق جزای اختصاصی، تهران: امیرکبیر.

● - صدیق سروسستانی، رحمت اله (۱۳۸۵) آسیب شناسی اجتماعی، چاپ دوم، تهران: انتشارات آن.

● - کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۰) مبانی جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

● - صرافی، مظفر و محمدی، علی رضا (۱۳۸۴) «شکل‌گیری و گسترش اسکان غیررسمی، علل، چالش‌ها، راهبردها (مطالعه موردی محله ترانس در شهر زنجان)»، نشریه دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۱، ۵۴-۳۹.

● - محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵) بزه‌کاری نوجوانان و نظریه‌های انحرافات اجتماعی، تهران: علم.

-Conzes, P. M. & Hillier, D. & Prescott, G.(2000).Crime and the Design of New Build Housing and Country Planning, Vol.62, P.231.

-Clarke ,R.(1997),Situational Crime Prevention :Successful Case Studies , 2nd Edition , Harrow and Hetson , New York.

-Fiens, J. D. Epstein, J. C. and Widom, R.(1997),Solving Crime Problems in Residential Neighborhoods, Comprehensive Change in Design ,Management and Use ,National institute of justice ,Us Department of justice